

جهانی شدن و هویت فرهنگی قوم لک

غلامعباس توسلی، سیاوش قلی پور

(تاریخ دریافت 85/11/25، تاریخ پذیرش 87/4/24)

چکیده:

این پژوهش، هویت فرهنگی قوم لک را در درون فرایندهای جهانی شدن مورد بررسی قرار داده و بر اساس ویژگی های اجتماعی و فرهنگی لک ها، جامعه مورد مطالعه را به چهار گونه ی شیعه سنتی، شیعه مدرن، اهل حق سنتی، اهل حق مدرن دسته بندی کرده است. با استفاده از روش «کیفی» و از طریق مشاهده، مصاحبه و بررسی اسناد اطلاعات لازم را در مورد گروه های فرهنگی مذکور گردآوری نموده است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که: لک ها علیرغم تفاوت های فرهنگی که در میان خویشتن دارند، برخی خصیصه های فرهنگی مشترک دارند که مشخصا بیانگر هویت قومی آنهاست؛ آنها بخش دیگری از هویت فرهنگی خود را به شیوه ای عام گرایانه بازسازی می کنند. یعنی با پذیرفتن عناصر مدرن و جهانی در کنار عناصر محلی و قدیمی، ترکیب ظریفی از امر محلی و جهانی را به وجود آورده اند؛ تمام عناصر فرهنگی در میان این قوم از قدرت هویت سازی همسانی برخوردار نیستند عناصری که در درون فرایندهای قدرت، تفاوت و مقاومت قرار می گیرند توان هویت سازی بالاتری دارند.

مفاهیم کلیدی: جهانی شدن، فشردگی زمان و فضا، هویت قومی، بازسازی عام گرایانه،

مقاومت.

مقدمه و طرح مسئله

بعد از جنگ جهانی دوم، جهانی شدن^۱ - به عنوان مجموعه ای از تغییرات که شدت و عمق بیشتری نسبت به دوران گذشته دارند- با رویکردهای مختلفی نگریده شده است. برخی نظریه پردازان معتقدند که این تغییرات، تمام جهان را به سوی امریکایی شدن یا همگون شدن جهان سوق می دهند. از سوی دیگر، برخی از نظریه پردازان برخلاف رویکرد همگون سازی معتقدند که جهانی شدن به شیوه ای متناقض پیش می رود، چرا که با تضعیف هویت های ملی، واکنش هایی در دو مسیر به جریان می افتد. از یک سو میل به فرا رفتن از خود و جهانی شدن و از سوی دیگر تمایل به محدود شدن و محلی شدن دارد. در این رویکرد، فرهنگ محلی^۲ مظهر خواست افراد برای رهایی از فرهنگ تحمیلی جهانی، ملی، سنتی و اعتراض به آنها تلقی می شود. ممکن است برخی از عناصر فرهنگی جوامع، ساخته خود آنها نباشد و به نحوی از بالا تولید شود ولیکن افراد آن را در جهت خواست های جمعی خود تعبیر می کنند. فرایندهای جهانی شدن اقصی نقاط جهان را در نوردیده اند، همه جوانب زندگی در دنیای امروزی کم و بیش از فرایندهای جهانی شدن تأثیر می پذیرند. گرچه شدت و حدت این فرایندها در جهان کنونی یکسان نیست، تمام مناطق تا حدودی تحت تأثیر آن اند. فرهنگ قوم لک هم کما بیش تحت تأثیر جهانی شدن قرار گرفته است. بی شک هویت فرهنگی این قوم در مواجهه با جهانی شدن دچار تغییراتی شده است. هدف این مقاله بررسی چنین تغییراتی است، همچنین می خواهد به دنبال پاسخی برای سوالات زیرباشد. آیا قوم لک در درون فرایندهای جهانی هضم شده و هویت قومی^۳ خود را از دست داده است یا با استفاده از فضای جهانی شدن به بازسازی هویت فرهنگی خویش پرداخته است؟ کدام عنصر یا عناصر فرهنگی نقش مؤثرتری در هویت سازی قوم لک دارند؟

^۱. globalization
^۲. local culture
^۳. ethnic identity

ویژگی های اجتماعی فرهنگی قوم لک

لک ها قومی ایرانی اسلامی هستند که از حیث پراکندگی جغرافیایی در شمال غربی و غرب استان لرستان، شمال شرقی و شرق استان کرمانشاه، شمال استان ایلام و جنوب استان همدان قرار دارند. زبان این قوم «لکی» است و در دسته بندی زبان های ایرانی جزو زبان های شمال غربی محسوب می شود. (امان الهی بهاروند 1370:52). راولینسون، تاریخ نگار معروف، می گوید: «زبان لکی از فارسی باستان مشتق شده که همزمان با زبان پهلوی به طور جداگانه و مشخص صحبت می شده است.» (1362:155). زبان لکی از لحاظ واژگان، اصطلاحات و جملات غنی است و بسیاری از کلمات آن دارای اوزان عروضی اند. لک ها آثار مکتوب زیادی در زمینه شعر و ادبیات دارند. موضوع آنها زندگی ائمه اطهار(ع)، نقش دین در زندگی، ستایش طبیعت و امور هستی شناختی است. (نک به ایزدپناه، 1376؛ غضنفری، 1362).

از لحاظ مذهب، دو گروه عمده در میان لک ها دیده می شود: شیعه و اهل حق. گروه اخیر علاوه بر مراسم مهمی همچون سرسپاری (سرتسلیم فرود آوردن در برابر آداب و رسوم فرقه)، جم خانه (نوعی عبادت دسته جمعی که بعد از صرف قربانی، مراسم تنبور نوازی در آن اجرا می شود)، اعتقادات متمایزی نسبت به شیعیان دارند. بعد از نبی مکرم اسلام(ص) و حضرت علی(ع)، افرادی همچون بهلول ماهی، شاه فضل علی، شاه خوشین، سلطان اسحاق، پیربنیامین، داوود کبود سوار، پیرموسی، مصطفی قهار، شاه ابراهیم، بابا یادگار و پیر رزبار را نیز گرامی می دارند؛ آنان فرقه ای اسلامی شیعی هستند که داعیه تبلیغی ندارند؛ علاوه بر مناسک شریعت اسلام، نگرش عرفانی ای نیز نزد آنها وجود دارد که به موجب آن، عقیده دارند: «حقیقت در زندگی انسان ساری و جاری است و هر از گاهی تجلی انوار الهی اش سبب روشنایی زندگی بشر می شود، امروزه نیروهای تاریک و خبیثه به کمک نظام های سیاسی و تکنولوژی روی حقیقت را پوشانده اند و انسان را از مسیر حقیقت منحرف ساخته اند.» (مصاحبه با یکی از بزرگان اهل حق در روستای آبش).

به لحاظ تجربه مدرن شدن، شواهد حاکی از آن است که در اوایل قرن حاضر هنوز ردپایی از مدرنیته¹ در مناطق لک نشین دیده نمی شد. فریا استارک، شرق شناس اسکاتلندی، در همین زمان می گوید: «برای آدمی خیلی لذت بخش است که گاهی نیز میان افرادی [لک ها] برود که زندگی ساده ای را پیشه خود ساخته اند و به این جهان گذران اعتنایی ندارند. این مردم همانقدر که در فکر تهیه وسایل معیشت نیستند، قصد بهره بردن از خود زندگی را نیز ندارند.» (1364: 64).

بعد از اسکان عشایر و به پیرو آن اصلاحات ارضی در دهه 40 هجری شمسی دهستانهای الشتر، کوهدشت، هرسین و نورآباد به صورت شهر درآمدند و شهرنشینی رونق گرفت؛ نظام های دیوان سالار از طرف دولت مرکزی در این شهرها تأسیس شدند؛ با ایجاد راههای آسفالتی و شوسه، حمل و نقل در میان این شهرها ممکن شد؛ رسانه رادیو نیز در دسترس همگان قرار گرفت؛ در طول دهه 50 مدارس ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان تأسیس شدند؛ در طول دهه 60 با همگانی شدن تلویزیون و رادیو علاقه به تحصیل نیز عمومیت یافت؛ از اواسط دهه 60 تاکنون رسانه های جدیدتری همچون لوح فشرده، اینترنت و موبایل نیز در دسترس همگان قرار گرفته است. لک ها در مدت 4 دهه از یک دنیای کاملاً سنتی به درون مدرنیته افتادند. آنها از گذشته جدا نشده بودند و هیچ بحرانی در نظام معرفتی شان به وجود نیامده بود که به صورتی کاملاً ناگهانی با مدرنیته برخورد کردند. برخی از آنها هنوز در درون سنت های خود مانده اند و در مقابل آشنایی با دنیای جدید مقاومت می کنند. برخی دیگر، اغلب سنت های خود را پشت سر گذاشته و تاکنون جای پای در فرهنگ نوین پیدا نکرده اند، آنها همچون شخصیت های رمان های داستایفسکی «از ریشه درآمده و فاقد جهت اند.» (تسویک 1383: 134). لکستان عرصه حضور سنت و مدرنیته به طور همزمان است. مثال بارز این مدعا انتخابات می باشد، چرا که با وجود حق رأی و مشارکت در حق سرنوشت خویش، نهادهای قبیله، ایل، و خویشاوندی نیز نقش موثری ایفا می کنند.

¹ - گرچه غرب مبدع مدرنیته است اما اکنون تمام جهان را فراگرفته است. متفکران جامعه شناسی هریک به طریقی آن را مفهوم سازی کرده اند. ویر آن را تسلط عقلانیت، دورکم آن را صنعتی شدن، زیمیل آن را تسلط فرهنگ عینی بر ذهنی و پارسونز آن را تفکیک ساختاری و مارشال برمن آن را عصری می داند که در آن همه چیز غیرقطعی است، هیچ چیز مرجع ثابت، عینی و ملموسی ندارد. وحدتی تناقض آمیز است که از یک طرف می سازد و از طرف دیگر ساخته های خود را ویران می سازد. بنابراین مفاهیمی چون صنعتی شدن، فردگرایی، سکولار شدن، دیوان سالاری، شهرنشینی و گستردگی رسانه های تکنولوژیک جدید همراه مدرنیته هستند.

همراه با ایده های مارشال برمن (1379) در مورد مدرنیته توسعه نیافتگی می توان گفت: این مدرنیته نیز سراپا کج و کوله، مقطعی، به وضوح نافرجام و یا شدیداً مخدوش شده است.

چارچوب نظری

جهانی شدن دارای ابعاد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است. مقاله حاضر بیشتر به بعد فرهنگی آن توجه دارد. فدرستون¹ (1995) نظریه پردازان جهانی شدن فرهنگی را به دو دسته تقسیم بندی می کند. طرفداران همگن سازی و طرفداران ناهمگن سازی. گروه اول، آینده جهان را یکدست و تحت سلطه غرب می دانند. (کاچرین، 2000؛ وایزمن، 1998؛ مک گی، 2000؛ آلن، 1995 نقل از فکوهی، 1381؛ ریتزر، 1999). رابرتسون² معتقد است گر چه این رویکرد «مایه هایی از حقیقت را در خود دارد اما یقیناً شیوه های بروز تضادهای فرهنگی را در سرتاسر جهان در گذشته و حال نادیده می گیرد.» (1383: 62). گروه دوم، به تاثیر پیچیده، ناگزیر و متقابل امر جهانی³ و امر محلی⁴ تاکید می کنند. (رابرتسون، 1381؛ مک گروه، 1996؛ هال، 1996). در این گروه هال⁵ بیش از دیگران به تاثیر جهانی شدن بر هویت فرهنگی پرداخته است. بدین خاطر نظریات وی مبنای نظری این پژوهش قرار گرفته است. هال (1383 الف) در بحث «جهانی شدن و قومیت» رویکرد همگون سازی در مورد جهانی شدن را نگاهی ساده دلانه، بی مسأله و فارغ از تضاد می داند. وی از دو جهت این رویکرد را مورد نقد قرار می دهد. انتقاد اول وی از منظر رخدادهای درون نظام و گفتمان جهانی شدن است. و به بحث سرمایه مربوط می شود. سرمایه دریافته است که تنها از طریق سرمایه های محلی و به موازات و با مشارکت سایر سرآمدان اقتصادی و سیاسی حکومت کند، تلاش نمی کند آنها را از میان بردارد بلکه از درون و به واسطه آنها عمل می کند. انتقاد دوم هال از رویکرد همگون سازی با هویت های محلی

¹. Featherston

². Robertson

³. the global

⁴. the local

⁵. Hall

است. از نظر وی هویت های حاشیه ای و یا کلاً مصرف کنندگان محصولات فرهنگی منفعل نیستند، برعکس موضعی فعالانه در برابر جهانی شدن اتخاذ می کنند. این هویت ها در تلاش اند که تاریخ و گذشته خود را بیان کنند و روایتی از آن ارائه دهند. به بیان دیگر، خاستگاهی برای بیان خود بیابند. آنها به دو شیوه در برابر جهانی شدن عکس العمل از خود نشان می دهند. یا حصارى به دور خود می کشند تا از گزند زوال ایمن بمانند که «خاص گرایی»^۱ نامیده می شود و یا می کوشند با تفاوت سر کنند و همزمان بر آن فایق آیند که «عام گرایی»^۲ نام دارد.

هال (1996) در کتاب «مدرنیته و آینده های آن» با الهام از نظریات هاروی^۳، گیدنز^۴، لاکلائو^۵ و ویژگی تغییرات جهانی شدن را فشرده‌گی زمان-فضا^۶، از جاکنندگی^۷ و مرکزیت زدایی^۱ می داند. از آنجا که زمان و فضا دو تا از مؤلفه های هماهنگ کننده هر نوع نظام بازنمایی از جمله هویت هستند. بدین جهت می توان گفت که جهانی شدن بیشترین تأثیر را بر روی هویت های فرهنگی دارد و هویت سازی سنتی را با بحران مواجه می کند. در عصر روشنگری هویت یکپارچه و منسجم بود در درون آن خودکفایی دیده می شد، اما نظام های اندیشه ای همچون مارکسیسم، فرویدیسم، زبان شناسی سوسور، نظریه گفتمانی فوکو، فمینیسم و همچنین عدم ثبات هویت های ملی و کم رنگ شدن هویت های عظیمی چون طبقه، نژاد و ملت نقش موثری در مرکزیت زدایی هویت یکپارچه ی مدرن ایفا کردند. هویت دیگر آن مقوله تمام و کمال و ذاتی نیست، هیچ مرکزیت و ذاتی ندارد، به جای اینکه بیولوژیکی باشد گفتمانی است. بنایی است که در روابط ساخته می شود. انعطاف پذیر، باز، چند پاره و ساختار آن همشه دوسویه است. بدین معنی که در درون آن همیشه «غیر» یا «دیگری» وجود دارد. هویت با مردمانی که شبیه یکدیگرند سر و کار ندارد، به منزله روایت همیشه از دیدگاه غیر و یا از خلال سکوت های دیگران بیان می شود.

هویت پیوندی جدانشدنی با قدرت و تفاوت دارد.

¹.particularism
².universalism
³.Harvey
⁴.Giddens
⁵.Laclau
⁶.time- space compression
⁷.disembedding

هال تأثیر جهانی شدن بر هویت های فرهنگی را در سه سطح هویت ملی، هویت فرا مدرن جهانی و هویت محلی پیگیری می کند. نخست، اینکه هویت ملی مقوله ای ازلی نیست که هنگام تولد با فرد زاده شود و به عنوان بخشی از ذات ماهوی وی باشد. هویت ملی یک تمهید گفتمانی برای درکنار هم قرار دادن تفاوت های فرهنگی است. دوم، جهانی شدن فرهنگ فرا مدرن جهانی و هویت های مشترکی بین ملت ها به وجود می آورد. مصرف لباس های جین، موسیقی های راک، هوی متال، ... و غذا نمونه هایی از این فرهنگ هستند. سوم، هویت محلی است که در آن دوشادوش تمایل به سمت فرهنگ جهانی تمایلی به تفاوت، قومیت و امر محلی نیز دیده می شود. هویت های محلی که تا دیروز امکان ابراز وجود نداشتند امروز با سرعتی فوق العاده خود را مطرح می سازند. این هویت ها تاریخ پنهان خودشان را باز می یابند و آن را از آخر به اول روایت می کنند. آنها دریافتند که تاریخی دارند و می توانند آن را بازگو کنند چرا که هیچ وقت فرصت روایت کردن آن را نداشته اند. هویت های حاشیه ای در تلاش برای پیدا کردن ریشه های خود دنبال کسب جایگاهی از طریق تاریخ پنهان شان برای بیان خود می گردند. این اشتیاق و طلب ریشه ها و کسب جایگاه همان قومیت است. هال (1383 ب) در مقاله «هویت های قدیم و جدید، قومیت های قدیم و جدید» می خواهد نشان دهد که این بازگشت به گذشته منطبق بر منطق جهانی شدن است. یعنی مسائل امروزی دیگر در روایت محدود قومیت سنتی نمی گنجد. نمی توان به گذشته برگشت و از چیزی کهن دفاع کرد. هویت های جدید نیاز دارند که از طریق فناوری جدید در ورای مرزها و افق های سنتی و بی واسطه سخن بگویند. از این روی هیچ اصالت فرهنگی به معنای دست نخوردگی و بکر بودن وجود ندارد.

روش شناسی تحقیق

روش بررسی این پژوهش روش «کیفی» است. این روش به جای توجه به مدل خطی (...، فرضیه، متغیر، عملیاتی کردن، ...) متاثر از دور هرمنوتیکی (دیالکتیک جزء و کل) به رفت و برگشت های تفسیری

¹.dislocation

میان عناصر یک متن (فرهنگ قوم لک) توجه دارد. تمام عناصری که به بازنمایی هویت آنها کمک می کند مهم هستند. بنابراین مشاهده آثار هنری، آداب و رسوم و عناصر فرهنگی، بررسی اسناد و مصاحبه با افراد آگاه تکنیک های گردآوری اطلاعات هستند

تعریف مفاهیم و شاخص های مناسب برای عینیت بخشیدن به آنها: متفکران مختلف هر کدام با توجه به دیدگاه نظری، تعاریف متعددی از جهانی شدن ارائه می دهند. بر اساس دیدگاه نظری مقاله، تعریف *هال* را مد نظر داریم. «مجموعه فرایندهایی که در مقیاس جهانی عمل می کنند، مرزهای ملی را درمی نوردند، اجتماعات و سازمان ها را از طریق ترکیبات جدید زمان و فضا یکپارچه می سازند و جهان را در واقعیت و تجربه مرتبط می سازند». جان استوری دو مولفه مهم را برای عینیت بخشیدن به تعریف مذکور بیان می دارد: سفر و رسانه های الکترونیک جدید. (1996: 313). بنابراین مهاجرت و میزان دسترسی به ماهواره، تلویزیون، لوح فشرده و اینترنت مواردی برای ارزیابی جهانی شدن فرهنگی هستند.

هویت قومی به «دیدگاه ها و شیوه های عمل فرهنگی گفته می شود که اجتماع معینی از مردم را متمایز می کنند. اعضای گروه های قومی خود را از نظر فرهنگی متمایز از گروه بندی های دیگر در جامعه می دانند و دیگران نیز آنها را همین گونه می دانند» (گیدنز، 1380: 278). *هال* (1383 ب) با پذیرفتن اینکه هویت قومی در تقابل با دیگر هویت های جمعی شکل می گیرد، معتقد است که قومیت «بازگشت به رگ و ریشه های کهن و تعریفی است که فرد بر مبنای عضویت در یک گروه قومی از خویش دارد. هویت مذکور از طریق مقایسه هایی شکل می گیرد که از طریق آن درون گروه با بیرون متمایز می شود». *هال* (1996) و *گل محمدی* (1381) زمان، مکان و فرهنگ را مولفه های هویت می دانند. از آنجا که فرهنگ مفهومی گسترده است و نمی توان آن را محدود کرد، به پیروی از مقاله فکوهی در «شکل گیری هویتی و الگو های محلی، ملی و جهانی» (1381)، مفهوم سبک زندگی را با گروهی از مولفه های اساسی آن (مصرف تلویزیون، لوح فشرده، موسیقی، غذا، لباس، دکوراسیون منزل، مراسم ازدواج، شیوه

همسر گزینی، نام گذاری کودکان، مشارکت سیاسی و احساس تعلق زبانی) را در نظر گرفتیم تا فرهنگ را در گویاترین و محسوس ترین شکل آن مورد توجه قرار داده و سطوح هویتی را در حقیقت سطوح تعلق فرهنگی و هویت فرهنگی در نظر بگیرد. در بررسی مولفه های سبک زندگی، رفتار و عمل خرید مد نظر نیست، بلکه معنایی که کنشگران برای رفتار خود قائل هستند و همچنین ارزیابی و فهم آنان از اشیاء مصرفی و دیگر مولفه های سبک زندگی اهمیت دارد.

گونه شناسی و نحوه انتخاب افراد نمونه: هیچ جامعه ای یکپارچه و همگن نیست. لک ها نیز از این قاعده مستثنی نیستند. می توان آنها را بر اساس متغیرهای ساختاری مانند طبقه، شغل و ... طبقه بندی کرد. اما از آنجا که این مقاله به هویت فرهنگی توجه دارد آنها را بر اساس متغیر های فرهنگی ای مانند «گفتمان مدرنیته» و «گفتمان مذهبی» گونه شناسی نمودیم.¹ در مورد اول، آن گونه که در ویژگی های اجتماعی و فرهنگی بیان شد. ورود عناصر مدرن به سرزمین لک ها آنها را به دو گروه سنتی و مدرن تقسیم بندی کرده است. برای تشخیص آن دو از همدیگر براساس شواهد عینی همچون موقعیت شغلی، میزان تحصیلات، پوشش ظاهری، پرس و جو از اطرافیان و آشنایان و همچنین تجارب شخصی در جامعه مورد مطالعه اقدام نمودیم. در مورد دوم، تمایز و شناسایی دو گروه مذهبی به خاطر مراسم و مناسک و پوشش خاص چندان دشوار نبود. بنابر این آن گونه که در جدول شماره 1، نمایان است

جدول شماره 1، مشخصات نمونه های انتخابی

تعداد	میزان تحصیلات و موقعیت شغلی نمونه های انتخابی	گفتمان مدرنیته	گفتمان مذهبی
8	کسبه بازار، کشاورزان و افرادی که تحصیلات کمتر از دیپلم دارند.	سنتی	اهل حق
7	دانشجویان سال آخر و فارغ التحصیلان دانشگاهها	مدرن	
13	کسبه بازار، کشاورزان و افرادی که تحصیلات کمتر از دیپلم دارند	سنتی	شیعه
15	دانشجویان سال آخر و فارغ التحصیلان دانشگاهها	مدرن	

براساس متغیر اولی دو گروه سنتی و مدرن و براساس متغیر دومی دو گروه مذهبی اهل حق و شیعه، از ترکیب آنها چهار گونه اهل حق سنتی، اهل حق مدرن، شیعه سنتی و شیعه مدرن بدست آمد.

¹ . به نظر می رسد هویت فرهنگی در جامعه مورد مطالعه بیشتر تحت تاثیر تمایزات فرهنگی است تا تمایزات ساختاری. (توضیحات بیشتر در بحث دکوراسیون منزل آمده است).

وضعیت جهانی شدن در جامعه مورد مطالعه

قبل از آشنائی با مدرنیته (یعنی قبل از دهه 40) لک ها در جوامع قطاعی زندگی می کردند. (برای اطلاع بیشتر در مورد جوامع قطاعی نگاه کنید به دورکیم، 1384) در این اجتماعات جدا از هم، فرد ممکن بود تا آخر عمر محدوده تولد خود را ترک نکند. با گسترش راهها و ورود ماشین های حمل و نقل جدید ارتباط میان اجتماعات بسته زیاد شد و مرزهای متصلب آنها فرو ریخت. مهاجرت به شهرهای اطراف، مهاجرت های فصلی به شهرهای بزرگ، مهاجرت برای تحصیل، مشاغل جدیدی همچون نظامی گری که فرد را از موطن خود دور می سازد، تجارت کم دامنه منطقه لکستان و مسافرت های سیاحتی و زیارتی از جمله عوامل تحرک فیزیکی هستند که در نتیجه آن لک ها با فرهنگ های دیگر آشنا شدند. «گرچه افزایش تحرک فیزیکی جنبه فرهنگی مهمی از مدرنیته جهانی به طور کلی هست لیکن درست آن است که بگوییم بیشتر مردم غالباً تأثیر جهانی شدن را نه در سفر بلکه با ماندن در خانه احساس می کنند» (تاملینسون 207:1381). این مقوله بیشترین تأثیر را بر هویت دارد و اکثر مردم چه فقیر و چه غنی آنرا تجربه می کنند. نتایج مطالعات میدانی در جامعه مورد مطالعه که در جدول شماره 2، آمده است

جدول شماره 2، گونه شناسی پاسخگویان برحسب دسترسی به رسانه ها و میزان مصرف آن برحسب نوع رسانه

رسانه	گونه های گفتمانی	اهل حق سستی	اهل حق مدرن	شیعه سستی	شیعه مدرن
ماهواره	میزان دسترسی	—	تعداد کمی	—	تعداد کمی
	میزان و نوع مصرف	—	متوسط: تماشای برنامه های هندی و فارسی	—	زیاد: بیشتر برنامه ها
تلویزیون	میزان دسترسی	همگانی	همگانی	همگانی	همگانی
	میزان و نوع مصرف	کم: اخبار و مسابقات ورزشی	کم: اخبار و مسابقات ورزشی	متوسط: اخبار، مسابقات ورزشی و برخی سریالها	کم: اخبار و مسابقات ورزشی
لوح فشرده	میزان دسترسی	همگانی	همگانی	همگانی	همگانی
	میزان و نوع مصرف	زیاد: فیلم های لکی و موسیقی کلام حق	زیاد: فیلم های هنری و موسیقی عرفانی	زیاد: محصولات عامه پسند، هندی، لکی و موسیقی های محلی	زیاد: فیلم های هالیوودی و محصولات محلی و موسیقی
اینترنت	میزان دسترسی	—	کم	کم	زیاد
	میزان و نوع مصرف	—	کم: مراجعه به سایتهای اهل حق	کم: در حد کسب اطلاعات و جستجوی سایت لکستان	زیاد: مراجعه به سایت لکستان و جستجوهای دیگر

(منبع، داده های میدانی بر اساس مصاحبه و مشاهده، 1384)

نشان می دهد که رسانه های ماهواره، تلویزیون، لوح فشرده و اینترنت در میان لک ها رواج دارد اهل حق ها تمایل کمتری به مصرف رسانه ای دارند. برای تبیین این امر، بحث های وبر (1382) در مقاله «عینیت در علوم اجتماعی و سیاست اجتماعی» راهگشاست. از نظر وی یک پدیده تکرارپذیر و قاعده مند زمانی دارای عینیت است که با ارزش های فرهنگی آن جامعه مرتبط شود. پیش تر مطرح شد که اهل حق ها تکنولوژی ها را ابزارهایی می دانند که در دست نیروهای تاریک و خبیثه قرار دارند و توجه به آنها فرد را از حق و حقیقت دور نگه می دارند. تأثیرات این آموزه است که سبب می شود آنها کمتر از شیعیان مصرف کننده محصولات رسانه ای باشند.

جهانی شدن و هویت سازی سنتی

جهانی شدن با تغییر دادن مؤلفه های زیر هویت سازی سنتی را با بحران مواجه می کند :

مکان- فضا: این دو در جوامع سنتی با هم منطبق اند، روابط تنگاتنگی با هم دارند و تعریف عملکردهای اجتماعی براساس مکان صورت می گیرد. مکان «متمایز بودن، مرزبندی، ثبات و احساس همبستگی به وجود می آورد» (گل محمدی 1381؛ مورلی 1996). و فضا را که سیال و ناپایدار است در درون خود محصور می کند. جهانی شدن با جدا کردن فضا و مکان پیوند میان فعالیت های اجتماعی و جایگیری آنها در زمینه های حضور را از بین می برد. در نتیجه « مکان تهی و یکنواخت می شود.» (گیدنز 1377:25). و فضا در پهنه های گسترده تری رها و مشخص بودن آن از بین می رود.

زمان- فضا: تداوم زمانی گذشته، حال، آینده نقش مؤثری در هویت سازی سنتی داشت، از آنجا که زمان و مکان با هم هماهنگ بودند زمان به خوبی کارکرد تداومی خود را ایفا می کرد و آگاهی از گذشته را برای افراد ممکن می نمود. فشرده گی زمان- فضا همان گونه که فضا را از قید مکان رها کرد زمان را نیز چنان فشرده نمود که تداوم آن از بین رفت و دنیایی لحظه ای را به وجود آورد که کاستلز (1380 الف: 534) آن را *زمان بی زمان* می نامد.

فرهنگ: فرهنگ در جوامع سنتی به خوبی کارکرد همانند سازی، تفاوت آفرینی و معنابخشی خود را انجام می داد. فرهنگ همچون فضا با مکان منطبق بود و به ابتدای آن مرزهایش را شفاف، محدود و ثابت می نمود. مکانمند بودن فرهنگ سبب می شد که ابژه های فرهنگی یک قوم کمتر در بیرون رواج یابند. جهانی شدن از طریق «از جاکندگی» فرهنگ ها را از محل جدا ساخت، توانایی فرهنگ در هویت سازی سنتی را از بین برد و سبب شد که فرهنگ های متعددی در محل حضور یابند.

عوامل مذکور هویت سازی سنتی را با نوعی بحران معنا مواجه می سازند و از آنجا که «هویت سرچشمه معنا و تجربه برای مردم است» (کاستلز 1380 ب:22). مردم نمی توانند برای مدت زیادی در شرایط بحران هویت به سر ببرند. بنابراین دست به بازسازی هویت خویش می زنند. نکته جالب توجه اینجاست که جهانی شدن امکانات جدیدی را برای بازسازی هویتی ارائه می دهد.

بازسازی هویتی

زمان: لک ها در آثار مکتوب دهه اخیر، در حال بازسازی تاریخ چند صد ساله خویش هستند. نمونه بارز این ادعا کتاب «بومیان دره مهرگان» (1379) است. پس زمینه طرح روی جلد با خط میخی و آخرین نفر به بند کشیده شده در کتیبه بیستون که گمان می رود لک بوده، مصور شده است. مؤلف کتاب، تاریخ لکستان را با استفاده از کشفیات مردم شناسی بیستون به 40 هزار سال پیش می برد، وی لک ها را قومی اصیل و جزو اولین اقوام بومی ایران می داند. نتایج مصاحبه ها در جدول شماره 3، نشان می دهند که متغیر گفتمان مدرنیته در بازسازی ریشه های تاریخی قوم لک مؤثر است.

جدول شماره 3، گونه شناسی پاسخگویان برحسب تلقی شان از زمان تاریخی

گفتمان مذهبی	گفتمان مدرنیته	تلقی از گذشته تاریخی
شیعه	سنتی	گنگ و ازلی
	مدرن	روشن و ازلی
اهل حق	سنتی	گنگ و ازلی
	مدرن	روشن و ازلی

لک های سنتی تلقی روشنی از گذشته تاریخی خود ندارند اما در هر حال آن را قومی ازلی می دانند. دو نفر از مصاحبه شوندگان می گویند:

«قوم لک خیلی قدیمی اند، از زمان حضرت آدم تا حالا لک بوده وهست.» (حاجی علی، کاسب)

« از زمان الست بریکم ما لک ها بوده ایم اما من نمی توانم تاریخ دقیق آن را به شما بگویم این را باید

ازتحصیل کرده ها بپرسی.» (سید، درویش)

اما لک های مدرن از طریق دلایل باستان شناختی، نشانه شناختی و زبان شناختی گذشته ای رویایی و

زیبا را برای خود ترسیم و تداوم تاریخی آن را حفظ می کنند. یکی از مصاحبه شوندگان می گفت:

«لکها قطعاً همان باستانی‌های کهن هستند، این امر با توجه به ریشه‌شناسی واژگان لک به وضوح پیداست. بسیاری از این واژگان به نیای زبان هند و اروپایی می‌رسد مانند: ژن، زن، دت: دختر، سَوین: آفتاب زدگی برگرفته از آسویر، سویر در آیین ریگه ودا یعنی خورشید و سویری یعنی آفتاب زدگی و یا سربند [چیزی که در میان لکها و به ویژه اهل حقه‌ها رواج دارد] که همان (سرپنجه) باستانی است علاوه بر این زبان لکی نیز همچون زبان اوستا 30 صامت و 14 مصوت دارد و خیلی موارد دیگر» (بهادر، زبان‌شناس)

نکته قابل توجه در این بخش تفاوت اهل حق های مدرن با شیعیان مدرن است. گروه اول سعی دارند در این بازسازی بزرگان آیین خودشان را از طریق مباحث عرفانی با اسطوره های باستان در هم آمیزند. در صورتیکه شیعیان بسیاری از بزرگان اهل حق را نمی شناسند و در باز سازی مذکور مستقیماً سراغ اسطوره ها می روند. در هر حال آنها با این عمل بحران هویت ناشی از زمان حال بی پایان را ترمیم می کنند. عملی که امروزه اکثر هویت های جمعی به آن مبادرت می ورزند. این بازگشت به گذشته همان «اختراع سنت» هابزبوم (1983)، «گشتن به دنبال رگ و ریشه های تاریخی» هال (1383) الف و ب) و «بازگشت همه چیز به خانه» مارشال برمن (1379) است.

مکان: بررسی های میدانی نشان می دهد که علیرغم کوشش نویسندگان لک در منتسب کردن برخی خاطرات جمعی (همچون پادشاهی دیاآکو، آیین مهرپرستی، آیین زردشتی، رشادت های سرداران لک در زمان اسکندر و کریم خان زند) به سرزمین شان، کنشگران قوم لک در زندگی روزمره به سرزمین شان

توجهی ندارند. آنها بیشتر به تاریخ علاقه دارند تا به سرزمین شان دلیل این امر آن است فرایندهای قدرت سرزمین شان را مورد تهدید قرار نداده است.

موسیقی: موسیقی از جمله عناصر فرهنگی ای است که قدرت زیادی در هویت سازی دارد. افراد به راحتی می توانند با گوش دادن نوع خاصی از موسیقی هویت جمعی خود را بیان کنند. با ورود ناگهانی مدرنیته، «مقام» های موسیقی لکی بازسازی نشدند، به جای آن موسیقی فارسی، کردی و لری جایگزین شد. این جایگزینی اختیاری نبود زیرا لک ها در برابر فراوانی و تنوع موسیقی های دیگر امکانات لازم برای بازسازی مقام های موسیقایی خویش نداشتند، تا اینکه در اواخر دهه هفتاد به کمک تکنولوژی های ضبط و صداگذاری جدید این مهم عملی گردید و موسیقی لکی بعد از سه دهه دوباره احیاء شد و مورد توجه قرار گرفت. جدول شماره 4، نشان می دهد که شیعیان سنتی موسیقی محلی را ترجیح می دهند.

جدول شماره 4، گونه شناسی پاسخگویان برحسب مصرف موسیقی

گفتمان مذهبی	گفتمان مدرنیته	نوع مصرف
شیعه	سنتی	محلی
	مدرن	محلی، ملی، جهانی
اهل حق	سنتی	محلی (عرفانی)
	مدرن	محلی (عرفانی)

و با این عمل نوعی مقاومت فرهنگی را از طریق عدم توجه به موسیقی های دیگر بیان می دارند. شیعیان مدرن موسیقی محلی، ملی و جهانی را همزمان می پسندند. آنها از کیفیت برتر موسیقی های ملی و جهان آگاه اند اما موسیقی محلی را صرفاً به خاطر تأکید بر هویت فرهنگی خویش گرامی می دارند.

«رسانه ها کاری کرده اند که حتی در روستا هم می توان ، موسیقی لس آنجلسی، هوی متال، راک و

پینگ فلوید گوش کرد، اما زمانی که سی دی "مور" باشد ما به طور ناخودآگاهی به سمت آن جذب

می شویم هر چند که برخی اشعار آن بسیار سخت اند اما به عنوان اینکه بخشی از هویت ماست آن را

گوش می دهیم و علاقه داریم.» (برزو، خواننده محلی)

موسیقی در میان اهل حق ها جایگاه مهم و ارزنده ای دارد. در منزل اغلب آنها ساز تنبور هست. تمام مراسم مذهبی آنها با موسیقی همراه است. خلیل عالی نژاد، شهرام ناظری و استاد پیرحیاتی از بزرگان

موسیقی اهل حق ها هستند که آوازه جهانی دارند. اهل حق ها موسیقی را به عنوان هویت فرهنگی خود می شناسند گاهی اوقات نیز موسیقی عرفانی ایرانی را به عنوان صدای حق مورد توجه قرار می دهند.

مصرف تلویزیون: نوع و میزان مصرف تلویزیون در هر جامعه ای حاکی از همسویی و یا ناهمسویی افراد با پیام های تولید شده از سوی ساختارهای تولید کننده ی برنامه های تلویزیون هستند. داده های میدانی جدول شماره 5، نشان می دهد که لک ها به جز اخبار، ورزش و برخی سریال ها که شبیه زندگی

جدول شماره 5، گونه شناسی پاسخگویان بر حسب مصرف تلویزیون

گفتمان مذهبی	گفتمان مدرنیته	نوع برنامه های مصرفی	میزان مصرف	میزان مقاومت
شیعه	سنتی	اخبار، ورزش، برخی سریالها	زیر متوسط	زیاد
	مدرن	اخبار، ورزش	کم	زیاد
اهل حق	سنتی	اخبار، ورزش	کم	زیاد اما دو وجهی
	مدرن	اخبار، ورزش	کم	زیاد

آنان است دیگر برنامه های تلویزیون را تماشا نمی کنند. شیعیان سنتی کمتر گزینه هایی همچون ماهواره و اینترنت در دسترس دارند به همین خاطر برخی سریال های تلویزیون را نیز می بینند. شیعیان مدرن فقط اخبار و ورزش را از طریق تلویزیون می بینند و دیگر برنامه هارا از طریق ماهواره نگاه می کنند. تمام گونه های مورد مطالعه معتقدند که تلویزیون علاوه بر اینکه برنامه های جذابی ندارد سالیان درازی است که حتی برای یک بار هویت فرهنگی قوم لک را بازنمایی ننموده است. آنها سکوت چندین ساله تلویزیون در برابر هویت شان را ناراحت کننده می دانند به همین خاطر در برابر این رسانه مقاومت می کنند. این نوع مقاومت جنبه مثبتی دارد و آن این است که به دنبال محصولات فرهنگی محلی می روند و از تولید کنندگان این محصولات حمایت می کنند.

لوح فشرده (سی دی): لوح فشرده از جمله ابزارهای رسانه ای جدید است که انقلاب عظیمی را در تکنولوژی های رسانه ای به وجود آورد و قدرت بیشتری به مصرف کننده بخشید. جدول شماره 6، نشان می دهد که این ابزار در طیف گسترده ای مصرف می شود، به این دلیل ساده که فضایی را خلق کرده که از طریق آن به راحتی می توان فیلم، طنز و آواز محلی و یا هر نوع محصول دلخواه را مصرف کرد.

جدول شماره 6، گونه‌شناسی پاسخگویان برحسب مصرف لوح فشرده

گفتمان مذهبی	گفتمان مدرنیته	گستره مصرف	فیلم	طنز و آواز
شیعه	ستتی	فراگیر	محلی، هندی	محلی، ملی، جهانی (هندی، ترکی)
	مدرن	فراگیر	محلی، جهانی	محلی، ملی، جهانی
اهل حق	ستتی	متوسط	محلی	محلی، ملی (آواز شجریان و ناظری)
	مدرن	متوسط	محلی	محلی، ملی (آواز شجریان و ناظری)

در زمینه فیلم، شیعیان ستتی اغلب فیلم های محلی و هندی را دوست دارند.

«اکثر مشتریان من [فروشنده] طرفدار فیلم‌های لکی همچون آرزوهای زمین، بی پلامار، گل دانه، لوزه خنه هستند. بعد از فیلم‌های خودمان بیشتر فیلم هندی نگاه می‌کنند به خاطر حال و هوای فیلم، رنگ‌ها، احساسات و همچنین قرابت‌های فرهنگی ما و هندی‌ها. اکثر جوانان این منطقه (کاکاوند) خود را به جای هنرمندان هندی همچون آمیتا باچان، شاهرخ‌خان، گوویندا و سلمان‌خان می‌پندارند یا در مواردی که بخواهند از ظاهر و زیبایی دختری تعریف کنند می‌گویند شبیه سریدیوی یا آشوارای است» (حبیب، سی دی فروش)

تمایل آنها به سینمای هندوستان به سبب مشابهت های فرهنگی و نیازهای اجتماعی است، چون هم گریزگاهی برای فرار از واقعیت های تلخ، و هم ارضاء کننده آرزوهای سرکوب شده است، می توان به پیروی از ریچارد دایر (1381) گفت: این آرمان شهرخواهی در فیلم های [هندی] ناشی از نوعی نیاز واقعی است که در اجتماع به وجود می آید. شیعیان مدرن بیشتر به سینمای محلی و جهانی توجه دارند اولی به خاطر هویت محلی شان و دومی به خاطر مضمون هایش و همچنین عرصه های گسترده ای از حیات بشری که توسط این سینما کاویده می شود. اهل حق ها کمتر علاقه ای به تماشای فیلم دارند. اما در همین حد هم به محصولات محلی توجه دارند. تیپ های مورد مطالعه توجه بیش از اندازه سینمای ایران به موضوعات کم محتوی و همچنین عدم توجه به فرهنگ های بومی ایرانی اسلامی - از جمله قوم لک - ابراز نارضایتی می کنند. از این رو مقاومت خود را از طریق لوح فشرده و مصرف محصولات جهانی و محلی بیان می دارند. درمورد برنامه های طنز و آواز، متغیر «گفتمان مذهبی» نقش مؤثری ایفا می کند. اهل حق ها تا آنجا این ابزار رسانه ای را به کار می گیرند که در خدمت آیین یاری (اهل حق) باشد در

غیر اینصورت آن را ابزاری در دست نیروهای خبیثه می دانند. شیعیان سنتی اغلب آواز «مور»^۱، طنزهای محلی و آوازهای هندی را مصرف می کنند. شیعیان مدرن محدودیتی نمی شناسند، ولی از خلال تمام محصولات فرهنگی آوازاها و طنزهای لکی را به طور جدی مورد توجه دارند. این امر صرفاً به جهت بیان هویت فرهنگی است. مصرف از طریق لوح فشرده قدرت هویت سازی بسیار بالایی دارد. اول فرایندهای تفاوت در این زمینه فرد را مجبور می سازند که برای ابراز هویت اجتماعی خویش در برابر دیگران عناصر فرهنگی خود را تولید و یا مصرف کنند. دوم به خاطر دسترسی ارزان و کم حجم بودن، اکثر قریب به اتفاق افراد می توانند آن را مصرف کنند و معنایی را از این طریق بیان نمایند.

غذا: انتخاب نوع غذا، تشریفات خوردن و محل غذا خوردن بیانگر هویت جمعی افراد است جدول شماره 7، نشان می دهد که متغیر «گفتمان مدرنیته» در انتخاب نوع غذا مؤثر است اما تشریفات غذا خوردن و محل غذا خوردن در میان همه لک ها به یک شیوه است.

جدول شماره 7، گونه شناسی پاسخگویان برحسب غذا

گفتمان مذهبی	گفتمان مدرنیته	انتخاب نوع غذا	تشریفات غذا خوردن	محل غذا خوردن
شیعه	سنتی	محلی (وجه غالب) ملی (در مواردی)	محلی	محلی
	مدرن	محلی، ملی، جهانی	محلی	محلی
اهل حق	سنتی	محلی (وجه غالب) ملی (در مواردی)	محلی	محلی
	مدرن	محلی، ملی، جهانی	محلی	محلی

لک های سنتی در کنار غذاهای محلی (گرده، مویچه، هروش، کالوچ و...) غذاهای ملی نیز مصرف می کنند. اما لک های مدرن بیشتر گرایش به سمت غذاهای ملی و جهانی دارند. تشریفات غذا خوردن در میان همه لک ها کاملاً محلی است. تا بزرگترها غذا خوردن را شروع نکنند کوچک ترها همچنان معطل می مانند، نوشیدنی را به یکدیگر تعارف می کنند، بعضی غذاها را با دست می خورند، در غذا خوردن خیلی نمادین عمل نمی کنند. به این معنا که براساس نیاز طبیعی ارگانیزم مبادرت به این کار می ورزند. محل

¹ .مُور: آوازی است که سازهای موسیقایی در آن به کار نمی روند. لک ها در حالات شادی و غم آواز مور را اجرا می کنند. ابیات این آواز اغلب برگرفته از آثار شاعران بزرگی مانند ملا منوچهر، سید نوشاد، غلامرضا ارکوازی، ملا پریشان لک و دیگران است. مور از پر طرفدارترین مقام های موسیقایی در بین لک هاست. مور بیشتر غمگین و مبین دلنگی است. محتوی آن حاکی از رنج ها، امیدها و دلبستگی های عاطفی لک هاست. (نوری، قوم پژوه)

غذا خوردن لک ها روی زمین و در پذیرایی است. به رغم اینکه میز غذاخوری دارند اما از آن استفاده نمی کنند. روی هم رفته انتخاب نوع غذا در سطح ملی هویت سازی می کند. اما تشریفات غذا خوردن و محل غذا خوردن محلی است. آنها با این عمل سعی دارند که بر سنت آبا و اجدادی شان صحه بگذارند.

لباس: این عنصر فرهنگی متأثر از متغیر «نسل» است. سه نسلِ پدربزرگ ها و مادربزرگ ها، والدین و فرزندان. نسل اول لباس های محلی می پوشند، این لباس برای پیرزن ها سَرَوَن، ژیر سَرَوَن، کِرَاس، جلیقه و در مواردی گُلَوَنی و برای پیرمردها شلوارهایی با دوخت خاص است. نسل دوم حالتی بینابین دارند زنان این نسل نتوانستند کاملاً لباس مادران شان را به دور اندازند. به همین خاطر سَرَوَن و ژیر سَرَوَن را کنار گذاشتند و به جای آن از روسری استفاده می کنند، اما همچنان کِرَاس می پوشند. مردان به جای شلوارهای خاص پدرانشان، شلوارهای ساده با رنگ های تیره می پوشند که هیچ زیبایی خاصی ندارند. اما نسل سوم کاملاً لباس های نسل اول را به فراموشی سپردند و تحت تأثیر فرایندهای جهانی شدن به لباس های امروزی توجه دارند. این لباس ها برای پسران شلوار جین، پیراهن، تی شرت مارک دار، کفش های اسپرت و استفاده از روغن و ژل برای براق شدن موهاست. الگوی لباس پوشیدن اغلب آنها ستارگان سینما است. اما در مورد دختران وضعیت به گونه دیگری است. در عرصه عمومی از چادر، مانتو و مقنعه استفاده می کنند. در حیطه خصوصی تحت تأثیر هنرپیشه های سینمای ایران و جهان اند. بنابراین در لباس پوشیدن نسل دوم و سوم لک ها هیچ گونه بیان هویت محلی دیده نمی شود. این حوزه جایگاه خودنمایی فرهنگ فرامدرن جهانی است.

اوقات فراغت: مشاهدات نشان می دهند که «گفتمان مدرنیته» نحوه گذران اوقات فراغت در میان لک ها را متمایز می کند. شیعیان سنتی که اغلب کارگر و کشاورز هستند در فصول بهار و تابستان کار و تلاش می کنند و وقت فراغت زیادی ندارند. مصرف محصولات فرهنگی از طریق لوح فشرده، بازی های کامپیوتری، بازیهای محلی (پلان، قاون، کلاورانکی، حَلاَن، گُلَوَن، دال پلان، سُلان، وژاشارکی، قارچان،

زر مشتکی، چیکه چیکه)، مجالس شبانه و تریاک کشیدن اوقات فراغت این تیپ اجتماعی در فصل پاییز و زمستان اند.

جدول شماره 8، گونه‌شناسی پاسخگویان برحسب گذران اوقات فراغت

نوع اوقات فراغت	گفتمان مدرنیته	گفتمان مذهبی
محلی (وجه غالب) جهانی	سنتی	شیعه
محلی، جهانی (وجه غالب)	مدرن	
محلی (وجه غالب)، جهانی	سنتی	اهل حق
محلی (وجه غالب)، جهانی	مدرن	

شیعیان مدرن بازیهای محلی را کنار گذاشته و گیم نت، کافی نت، تماشای ماهواره را جایگزین آنها نمودند. اما همچون سنتی ها مجالس شبانه را حفظ کرده اند. اهل حق ها در بحث اوقات فراغت شبیه شیعیان هستند با این تفاوت که آنها به مراسم سرسپاری و آیین جم خانه نیز علاقه مندند. این دو آیین نه تنها دینی و معنوی هستند بلکه به نحوی گذران اوقات فراغت نیز هستند و قدرت هویت سازی بالایی دارند. روی هم رفته می توان گفت اوقات فراغت شیعیان در سطح جهانی هویت سازی می کند. عناصر محلی کم کم به فراموشی سپرده می شوند معهذا عناصر محلی ای که هنوز حضور دارند هیچ دلالت معنایی برای هویت قومی ندارند. آنها چون گزینه ی دیگری برای انتخاب ندارند به بازی های محلی روی می آورند.

دکوراسیون منزل: معماری داخلی، چیدمان و نوع عناصر به کار رفته در تزئین منزل تا حدودی بیانگر هویت فردی و جمعی افراد است. چنین به نظر می رسد که طبقه و یا گروه های درآمدی موثرترین عامل در دکوراسیون منزل است. اما این امر در میان لک ها این گونه نیست. حتی شهرهای آنان نیز بالا شهر و پایین شهر ندارد. ثروتمندان و فقرا در کنار هم زندگی می کنند. معمولا اهالی یک محله از یک طایفه و یا یک تیره اند. حتی نوع معماری و دکوراسیون داخلی منزل فقرا و ثروتمندان چندان تفاوتی با هم ندارند. مشاهدات نشان می دهند که متغیر «گفتمان

مدرنیته» نقش مؤثری در تزیین منزل لک ها دارد. معماری داخلی لک های سنتی اغلب جهانی - محلی است. این معماری قابل تفکیک به سه گونه ی مجزاست. اول، اتاق های موازی در کنار هم

جدول شماره 9، گونه شناسی پاسخگویان برحسب دکوراسیون منزل

گفتمان مذهبی	گفتمان مدرنیته	نوع معماری داخلی	چیدمان منزل	شیوه رفتار کردن
شیعه	سنتی	جهانی - محلی	محلی	محلی
	مدرن	جهانی - محلی	جهانی - محلی	محلی
اهل حق	سنتی	جهانی - محلی	محلی	محلی
	مدرن	جهانی - محلی	جهانی - محلی	محلی

که در جلوی آنها یک ایوان با چندین ستون وجود دارد، این معماری در حال تبدیل شدن به ویرانه است. دوم، خانه هایی که بدون ایوان اند فقط یک درب ورودی دارند دارای هال و پذیرایی کوچک، اتاق های زیاد و آشپزخانه مجزاست. سوم، خانه ها بدون ایوان اند. فقط یک درب ورودی دارند، دارای هال و پذیرایی بزرگ، تعداد اتاق های کم و آشپزخانه «آپن» رو به پذیرایی است. این گونه معماری ها در میان همه گونه ها وجود دارند و تمایزی میان آنها وجود ندارد.

چیدمان داخلی لک های سنتی، محلی است یعنی بالش و پُشتی همراه با پتوی پهن شده، قالی های لاکه رنگ در کف اتاق و پرده های بدون والان با رنگ های تند و طبیعی است. چیدمان داخلی منزل لک های مدرن جهانی - محلی است یعنی عبارت است از پُشتی و قالی با رنگ ملایم همراه با مبلمان، تختخواب، آباژور، پرده های والان دار با رنگ ملایم و استفاده از تابلوهای نقاشی.

شیوه رفتار کردن در منزل در میان تمام گونه های مورد مطالعه، مبتنی بر آداب و رسوم گذشته با رعایت احترام بیش از اندازه برای بزرگترهاست. روی هم رفته لک ها عناصر مدرنی همچون آشپزخانه اوپن، مبلمان، میزناهارخوری، ویتترین را در کنار عناصر محلی خاصی همچون موج، بالش، گلیم، نمده،

اسپند مثلثی، ساز تنبور ترکیب نموده اند. اما شیوه برخورد آنها با اعضای خانواده و مهمانان به همان روال سنتی است آنها با هجوم عناصر مدرن به درون زندگی شان همچنان هویت خود را حفظ نموده اند.

مراسم ازدواج: مراسم ازدواج در میان چهار گونه اجتماعی لک یکسان برگزار می شود. آنان اعتقاد زیادی به مراسم و مناسک دارند و به شیوه ای آیینی و باشکوه آنها را برگزار می کنند. البته عناصر مدرن زیادی را جایگزین عناصر قدیمی نمودند، از جمله: ساز ارگ به جای سرنا و دهل، لباس عروس به جای گلونی، دوربین فیلمبرداری، آرایش عروس و استفاده از ماشین های جدید به جای اسب. معهدا، عناصر قدیمی ای همچون رقص های لکی، موسیقی، لباس زنان (کراس) و رسوم متعدد، باظرافت و دقت خاص برگزار می شوند. علاوه بر رسوم مذکور، رقص های مراسم ازدواج کاملاً محلی اند مانند سربازی، شله شله، سوار سوار، فتاپاشای، سَملی سَمّا، گریان و دویا. این رقص ها هر کدام با آواز و مقام موسیقایی خاص خود اجرا می شود. پوشش زنان در مراسم ازدواج کاملاً محلی و خاص است. این لباس «کراس» نام دارد و اکثر زنان آن را می پوشند. مراسم عروسی حتماً در یک فضای باز یا بسیار وسیع اجرا می گردد و تمایزی بین زنان و مردان وجود ندارد. روی هم رفته علیرغم حضور عناصر مدرن همچنان هویت لکی این مراسم حفظ شده است. نوعی همنشینی عناصر عام (جهانی) و خاص (محلی) در این مراسم دیده می شود. برخی رسم های کهن علیرغم غیرواقعی بودنشان همچنان از حیث معنایی و هویتی حضور دارند. این یکی از عناصر اصلی بازسازی هویت قومی است.

همسرگزینی: دایره همسرگزینی لک ها بسیار محدود است این محدوده در حد نظام خانواده و خویشاوندی (هوز) و طایفه است. فردگرایی درانتخاب همسر که از طریق رسانه ها تبلیغ می شود تأثیر چندانی بر همسرگزینی منطقه لکستان ندارد. لک ها در این حوزه توجهی به هویت قومی نشان نمی دهند و سعی می کنند هویت های کوچک تر را گرامی بدارند.

نام گذاری کودکان: انتخاب نام فرزندان کاملاً مقوله ای اختیاری است و فرد می تواند در این حیطه هویت فرهنگی خود را نمایان سازد. مشاهدات و مصاحبه ها نشان می دهند که نام گذاری نزد لک ها با دیگر هموطنان ایران تفاوتی ندارد. ولی مراسم نامگذاری آنها متفاوت است. آنها در این مراسم که در

شب هفتم برگزار می شود و «باولینی» نام دارد، از خویشاوندان دعوت می کنند و ولیمه ای را تدارک می بیند. مدعوین شب نام گذاری تا صبح بیدار می مانند. سروده ادبی «فال چهل سرور» در گذران شب تا صبح به آنها کمک می کند. لک ها با اجرای این رسم هویت قومی خود را بازسازی می کنند.

مشارکت سیاسی: رفتار انتخاباتی لک ها نه براساس فردیت و مشارکت در احزاب بلکه بر اساس طایفه و قبیله است. بدین جهت تمایزی میان لک ها دیده نمی شود. خاص گرایی بیش از اندازه لک ها آنها را از پرداختن به هویت های کلان تری همچون قوم و ملت دور می سازد. پیرمردان سلف خر که نقش مهمی در میان قبیله و طایفه دارند مهم می شوند. از آنجا که سوداگری جزو حرفه آنهاست، منافع شخصی را به منافع جمعی ترجیح می دهند. تحصیل کرده ها نیز وارد این بازی می شوند و این رقابت قبیله ای را تداوم می بخشد.

احساس تعلق زبانی: زبان از جمله مهمترین عناصر بر ساختن هویت جمعی افراد است. لکستان یک حوزه فرهنگی است که زبان و ادبیات شان از عمق و غنای زیادی برخوردار است. غنای واژگانی، ضرب المثل های زیاد، قالب زبانی ای را به وجود آورده است که لک ها فکر می کنند از طریق آن جهان اطرافشان را بهتر درک می کنند. به همین دلیل آنها زبان خود را در مقایسه با زبان های لری، کردی و فارسی، مناسب تر می دانند. داده های جدول شماره 10، نشان می دهد که لک های سنتی به این دلیل به

جدول شماره 10، گونه شناسی پاسخگویان برحسب احساس تعلق به زبان

گفتمان مذهبی	گفتمان مدرنیته	احساس تعلق به زبان
شیعه	سنتی	محلی (ناآگاهانه)
	مدرن	محلی (آگاه به توانش زبان)
اهل حق	سنتی	محلی (ناآگاهانه)
	مدرن	محلی (آگاه به توانش زبان)

زبان لکی علاقه مندند که تنها ابزار برای بیان ارتباط آنها است، تنها زبانی است که به خوبی با آن تکلم می کنند. اما لک های مدرن به خاطر تحصیلات و یادگرفتن زبانهای فارسی، انگلیسی (در مواردی) و برخورد با دیگر زبانهای قومی ایران، آگاهانه زبان خود را برتر می دانند.

«قبل از آشنایی با دیگر زبان ها، چندان به زبان خودمان [لکی] توجهی نداشتم اما بعداً متوجه شدم همه چیز زبانمان اصیل و ریشه دار است. واژگانی در آن هست که وضعیتی ارتباطی را بیان می‌دارند که معادل آن در هیچ جای دیگری نیست. مانند «ترای تُر» اصلاً قابل ترجمه نیست هر جور که آن را ترجمه کنی معنای خود را از دست می‌دهد. یا با گفتن کلمه «ایواره» حس عجیبی پیدا می‌کنیم اگر معادل فارسی آن یعنی غروب را به کار ببریم چنین حسی در ما ایجاد نمی‌شود.» (ایمانی، پژوهشگر فرهنگ عامه)

شیعیان مدرن در دو دهه پیش چنین دیدگاهی نسبت به زبان خود نداشتند. آنها به لحاظ فرهنگی نوعی خود کم‌بینی احساس می‌کردند. بنابراین، سعی می‌کردند که به فرزندان شان زبان فارسی بیاموزند. اما الان این گونه نیست. یعنی علاوه بر زبان فارسی که خیلی برای آن احترام قائل هستند زبان لکی را نیز گرامی می‌دارند و به آن افتخار می‌کنند. به نظر می‌رسد یکی از مهم ترین عناصر هویت ساز لک ها زبان است. توجه لک ها به زبان خویش منطبق با منطق جهانی شدن است، به این معنا که آنها ضمن آشنایی با فرهنگ ها و زبان های دیگر توان زبان خود را برتر می‌دانند. به همین خاطر مقاومت فرهنگی خودشان را با مطرح کردن ادبیات کهن و تدوین فرهنگ لغت لکی، همایش «مور» و زبان لکی و اینکه در جلسات رسمی به زبان لکی سخنرانی می‌کنند، بیان می‌دارند.

اهل حق های مدرن هیچ وقت نسبت به زبان خود احساس خود کم بینی ننمودند، زیرا که لکی زبان دینی آنهاست. «دفتر رموز یارسان» - از جمله کتاب های مذهبی - به زبان لکی است. اهل حق های که دارای زبان های دیگری هستند سعی می کنند زبان لکی را یاد بگیرند تا از آن طریق بتوانند به کتب آیین یاری مراجعه کنند. لک ها به هنرمندان عرصه زبان و ادبیات شان توجه وافری نشان می دهند تا در دنیای مدرن به زندگی آنها معنا ببخشند. کتاب «گلزار ادب لرستان» که توسط غضنفری و رضایی (1372) گردآوری و تدوین شده است و در آن زندگی نامه و برخی آثار مطرح شاعران لک گردآوری شده است، نمونه بارز این مدعاست. کتاب مذکور همچون شیء مقدسی است که در خانه اکثر لک ها پیدا می شود و برای بیان خود و اظهار وجود به لحاظ فرهنگی سریعاً به آن مراجعه می کنند.

نتیجه‌گیری

شکل‌گیری هویت فرهنگی در فضای جهانی شدن امری یکپارچه و یکسان نیست. حتی در درون یک قوم نیز تمایزات فرهنگی متعددی وجود دارد. با این حال، عناصری در درون یک قوم پیدا می‌شوند که اکثر اعضای آن قوم تلقی یکسانی از آن دارند. چنین عناصری آن قدر در درون یک حوزه فرهنگی تداوم می‌یابند که به خصیصه فرهنگی آن قوم تبدیل می‌شوند و تفاوت‌های درون‌قومی تاثیر چندانی در تلقی همه جانبه از آنها ندارند. زبان، مراسم ازدواج، همسرگزینی، مراسم نام‌گذاری کودکان، تشریفات غذا خوردن و محل غذا خوردن از جمله این موارد هستند. خاص بودن این موارد بیانگر هویت قوم‌لک هستند. در برخی مولفه‌ها از جمله معماری داخلی، نوع غذای مصرفی و مراسم ازدواج مشاهده می‌شود که تحت تاثیر فرایندهای جهانی شدن، عناصر عام و عناصر خاص به گونه‌ای مسالمت‌آمیز در کنار هم قرار گرفته‌اند و ترکیب ظریفی از امر عام و امر خاص را به وجود آورده‌اند. لک‌ها در برابر ورود ناخواسته عناصر عام، عکس‌العمل دفاعی نداشته‌اند بلکه سعی کرده‌اند آنها را با خلاقیت‌های خاصی در درون فرهنگ خویش به شیوه‌ای عام‌گرایانه بازسازی کنند. با این همه از لابه‌لای عناصر فرهنگی متعدد هویت خود را نیز برجسته و حفظ کرده‌اند. علیرغم شباهت‌های مذکور، برساخته شدن هویت فرهنگی از جهاتی در درون چهار گونه فرهنگی مطرح شده متفاوت است.

شیعه سنتی: جهانی شدن تاثیر نسبتاً زیادی در میان این گروه دارد. مصرف زیاد فیلم، تلویزیون، طنز، آواز، موسیقی محلی از طریق لوح فشرده و توجه به زبان محلی بیانگر احساس تعلق این گروه به هویت قومی‌شان است. آنها در طول دهه‌های 50 تا 70 به علت عدم دسترسی به امکانات تکنولوژیک نمی‌توانستند محصولات فرهنگی تولید کنند. اما از اواخر دهه 70 دوربین‌های دیجیتالی ارزان قیمت، دستگاه‌های صداگذاری و میکس‌قابل دسترس برای همگان امکان‌بخش‌هایی هویت فرهنگی را به آنها داد و آنها نیز آثار قابل‌اعتنایی را تولید کردند که اغلب آنها بازسازی فرهنگ سنتی و «مقام»‌های موسیقایی قدیم است. تاکید بر هویت فرهنگی محلی ویژگی اکثر این آثار است.

شیعه مدرن: جهانی شدن بیشترین تاثیر را در میان این گونه دارد. این گروه علاوه بر مصرف محصولات رسانه ای ملی و جهانی در کنار محصولات محلی سعی می کنند از طریق نوشتن کتاب، مقاله گذشته تاریخی لک ها را بازسازی کنند. در این بازسازی، تاریخ خود را آنقدر به گذشته بر می گردانند که با اسطوره ها در هم می آمیزد. آنها همچنین در معرفی ادبیات کلاسیک خود به نسل جوان فعال هستند. زمان (تاریخ) و زبان از قدرت هویت سازی محلی بالایی در نزد این گروه برخوردارند. دلیل این امر قرار گرفتن آن دو در درون فرایندهای نابرابر قدرت (در مقایسه با اقوام همسایه)، تفاوت در فضای جهانی شدن است

اهل حق سنتی: در مقایسه با گونه های دیگر جهانی شدن کمترین تاثیر را در میان این گونه دارد. دلیل این امر آن گونه که توضیح داده شد به آموزه های مذهبی آنان مربوط می شود. موسیقی و توجه به آیین های مذهبی و زبان مهمترین عناصر در احساس تعلق این گروه به هویت لکی است. موسیقی نزد آنها فقط عنصری فرهنگی نیست بلکه ندای حق است و مقدس. بدین ترتیب یکی از مهم ترین عناصر هویت ساز برای این گونه است.

اهل حق مدرن: تاثیر جهانی شدن در میان این گونه بیشتر از اهل حق های سنتی است. آنها نیز به موسیقی و مراسم مذهبی توجه زیادی دارند. علاوه بر این تاریخ و زبان نیز بیشترین عرصه فعالیت این گروه است. اما تفاوت این گروه با «شیعه مدرن» در زمینه ادبیات این است که شیعیان بیشتر از طریق اسطوره های باستانی (ایران باستان) به بازسازی گذشته می پردازند اما اهل حق ها به طور همزمان از طریق اسطوره های باستان و زندگی بزرگان آیین خویش به این امر مبادرت می ورزند.

بدین ترتیب هویت قومی موجودیتی انتزاعی نیست که بتوان با مشخص کردن عناصر فرهنگی حد و مرزهای آن را مشخص کرد. این عناصر به خودی خود بیانگر هویت جمعی افراد نیستند. بررسی ویژگی های یک گروه از جمله زمان، مکان، شیوه زندگی و زبان در درون همان گروه، توشه ای برای بحث های هویتی به ارمغان نخواهد آورد. این عوامل زمانی که در درون فرایندهای جهانی شدن، تفاوت و مقاومت قرار گیرند و افراد آنها را به عنوان استراتژی هایی برای بیان خود به کار ببرند، توان

هویت‌سازی خود را به نمایش می‌گذارند. چنین است که هویت را باید در جایگاه تاریخی خود و وابسته به متن و زمینه خاص خودش بررسی کرد.

سرزمین قدرت هویت‌سازی چندانی ندارد، چرا که در درون فرایندهای قدرت و تفاوت قرار ندارد به بیان دیگر مورد تعرض قرار نگرفته و چندان محل مناقشه نیست؛ گذران اوقات فراغت (به ویژه نزد مدرن‌ها)، لباس پوشیدن (به ویژه نسل جوان) هویت‌سازی جهانی دارند. این مؤلفه عموماً نزد اکثر فرهنگ‌های ایرانی به یک شیوه است و تمایزاتی در میان آنها دیده نمی‌شود؛ نام‌گذاری کودکان مؤلفه‌ای است که در سطح ملی هویت‌سازی می‌کند یعنی بیانگر ایرانی بودن افراد است و چندان وابسته به قوم یا گروه فرهنگی خاصی نیست. فرایندهای قدرت نقش چندانی در این زمینه ندارند، چرا که نام افراد بیانگر هویت اجتماعی آنها نیست و از این طریق نمی‌توان کسی را مورد پذیرش یا طرد قرار داد.

منابع و مأخذ

- استارک، فریا (1364)، *سفرنامه الموت: لرستان و ایلام*، ترجمه محمدعلی ساکی، تهران: انتشارات علمی.
- تاملینسون، جان (1381)، *جهانی‌شدن و فرهنگ*، ترجمه محسن حکیمی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- کاستلز، ایمانوئل (ب 1380)، *عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ، قدرت و هویت*، ترجمه احمد علیقلیان، افشین خاکباز و حسن چاووشیان، ویراستار ارشد، علی پایا، تهران: طرح نو.
- امان‌الهی بهاروند، سکندر (1370)، *قوم لر: پژوهشی درباره پیوستگی قومی و پراکندگی جغرافیایی لرها در ایران*، تهران: انتشارات آگاه.
- ایزدپناه، حمید (1367)، *تاریخ جغرافیایی و اجتماعی لرستان*، تهران: انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی ج اول.
- برمن، مارشال (1379)، *تجربه مدرنیته*، ترجمه مراد فرهادپور، تهران: طرح نو.

- تسوایک، استفان (1383)، *سه استاد سخن: بالزاک، دیکنز، داستایفسکی*، تهران: نشر نی.
- جیمسون، فردریک و دیگران (1379)، *منطق فرهنگی سرمایه داری متاخر*، ترجمه مجید محمدی، تهران: نشر هرمس.
- دایر، ریچارد (1382)، «سرگرمی و آرمان شهر»، ترجمه نیما ملک محمدی، در *مطالعات فرهنگی* به ویراستاری سایمون دورینگ، تهران، انتشارات تلخون.
- دورکیم، امیل (1373)، *قواعد روش جامعه‌شناسی*، ترجمه علی محمد کاردان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- راولینسون، هنری (1360)، *گذر از ذهاب تا خوزستان*، ترجمه سکندر امان‌الهی بهاروند، تهران: انتشارات آگاه.
- رحیمی عثمانوندی، رستم (1379)، *بومیان دره مهرگان*، کرمانشاه: انتشارات ماهیدشت.
- کاستلز، ایمانوئل (الف 1380)، *عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ، ظهور جامعه شبکه‌ای*، ترجمه احمد علیقلیان، افشین خاکباز و حسن چاووشیان، ویراستار ارشد، علی پایا، تهران: طرح نو.
- غضنفری، اسفندیار (1362)، *گلزار ادب لرستان*، تهران: مرکز پخش شاهد.
- گل محمدی، احمد (1381)، *جهانی شدن، فرهنگ، هویت*، تهران، نشر نی.
- گیدنز، آنتونی (1377)، *پیامدهای مدرنیت*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز.
- هال، استوارت (الف 1383)، «بومی و جهانی: جهانی شدن و قومیت»، ترجمه بهزاد برکت فصلنامه *ارغنون*، شماره 24، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- هال، استوارت (ب 1383)، «هویتهای قدیم و جدید، قومیت‌های قدیم و جدید»، ترجمه شهریار وقفی‌پور، فصلنامه *ارغنون*، شماره 24، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- وبر، ماکس (الف 1382)، *روش‌شناسی*، ترجمه حسن چاووشیان، تهران: نشر مرکز.
- رابرتسون، رولند (1383)، «جهانی - محلی شدن: زمان - مکان و همگونی - ناهمگونی»، ترجمه، مراد فرهادپور، فصلنامه *ارغنون*، شماره 24، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

- رابرتسون، رولند (1381)، *جهانی شدن، تئوری اجتماعی و فرهنگ جهانی*، ترجمه، کمال پولادی، تهران: نشر ثالث.

- فکوهی، ناصر (1381)، «شکل‌گیری هویتی و الگوهای محلی، ملی و جهانی»، مجله جامعه‌شناسی ایران، شماره 4، زمستان.

- Hall, S. (1996), "The Question of Cultural Identity" in S. Hall, D. Held and T. Mc Grow. (eds), *Modernity and its Futures*, Cambridge: Polity.
- Mc, Grew, A. (1996), "A Global Society" in S. Hall, D. Held and T. Mc Grow. (eds), *Modernity and its Futures*, Cambridge: Polity.
- Ritzer, G. (1999), *The McDonaldization Thesis*, London: Sage
- Hobsbawm, E. J. and T. Ranger (1983) *The Invention of Tradition* Cambridge: University Press.
- Morley, D. (1996), *Space of Identity*, London: Routledge
- Featherston, M. (1995), *undoing culture*. London: sage

غلامعباس توسلی استاد گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران است. علایق پژوهشی وی در زمینه نظریه های جامعه‌شناسی، جامعه‌شناسی کار و شغل، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش و جامعه‌شناسی دین است. g_tavasoli@yahoo.com.

سیاوش قلی پور دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه تهران است. علایق پژوهشی وی در زمینه فلسفه علوم اجتماعی و روش‌شناسی، مطالعات فرهنگی، جامعه‌شناسی تاریخی و جامعه‌شناسی شهری است. (نویسنده مسئول) Sia532004@yahoo.com

Globalization and Cultural Identity of Lackish Ethnic

Gholam Abbas Tavasoli, Siavosh Gholipoor

This research has studied cultural identity of Lackish ethnic within globalization processes. Based on cultural and social characteristics of lackish people, It has divided population to four social types : Traditional Shiett, Modern Shiett, Traditional Ahle-hagh and Modern Ahle-hagh. It has been used *qualitative* method and gathered data through using observation , interview and documents. The findings of research shows that: 1) some cultural traits are common among Lackish people that represent their ethnic identity. 2) the other cultural traits, reconstruct their cultural identity universally. It means , They have articulated *The local* and *The global* by accepting global and modern traits beside local and old traits. 3) All cultural traits haven't equal identification. Traits which are put in *diffrence*, *resistance* and *power* processes have a high identification.

Key concepts: Globalization, time – space compression , Ethnic identity ,Universal reconstruction, Resistant